



آیا ژاکوبنیسم برای کارگران ترسناک است؟

نویسنده: ولادیمیر ایلیچ لنین

مترجم: ش. جوان

مقدمه‌ی گروه مائوئیستی شورش: این مقاله در تاریخ ۷ ژوئیه‌ی (۲۴ ژوئن) ۱۹۱۷ در شماره‌ی ۹۰ روزنامه‌ی پراودا (Правда) انتشار یافت؛ و نیز برای اولین بار به زبان فارسی در اختیار جنبش کمونیستی و انقلابی ایران قرار می‌گیرد.

نشریه‌ی بورژوایی و شوینیست "دین" (День)، ارگان "تفکر سوسیالیستی" (نخندید!) در شماره‌ی ۹۱ خود به سرمقاله‌ی واقعاً جالب ۱۸ ژوئن نشریه رچ (Речь) می‌پردازد. "دین" مطلقاً از درک این سرمقاله که طی آن یک مورخ به‌مثابه‌ی یک بورژوای ضدانقلاب کج‌خلق سخن‌پراکنی می‌کند، عاجز است و آن را به مثابه قصد

«کادتها» (که دیگر به‌عزمی راسخ بدل شده) برای عقب‌نشینی از دولت ائتلافی تفسیر می‌کند.

مزخرف است؛ کادتها دست به‌تهدید می‌زنند تا تسره‌تلی‌ها و چرنوف‌ها را به‌وحشت اندازند و این چندان جدی نیست.

آن چیزی که جدی و جالب توجه است چگونگی برخورد سرمقاله‌ی ۱۸ ژوئن رچ با مسئله‌ی قدرت از منظر یک مورخ است.

او می‌نویسد "درحالی که با ترکیب حکومت سابق حداقل تا حدودی امکان آن وجود داشت که جریان انقلاب روس را هدایت نمود، پس از آن ظاهراً چنین مقدر گردیده که این انقلاب نیز به‌فراخور قوانین خودانگیخته‌ی تمام انقلاب‌ها نشو و نما یابد... خلاف مصلحت بودن ادامه‌ی موجودیت آن ترکیب‌بندی حکومت که چهره‌ای موجه از خود به نمایش گذاشته است، مسئله‌ای است که نه‌تنها بلشویک‌ها [توجه کنید: نه‌تنها بلشویک‌ها!]... و نه‌تنها اکثریت شوراهای مدتی است که آن را مطرح می‌نمایند... بلکه مسئله‌ای است که وزرای سرمایه‌دار نیز خود باید آن را اقامه نمایند".

جناب مورخ به‌درستی اقرار می‌کند که نه‌تنها بلشویک‌ها، بلکه مناسبات متقابل طبقاتی و حیات اجتماعی به‌مثابه یک کلیت، مسئله‌ی "خلاف مصلحت بودن ادامه‌ی موجودیت آن ترکیب‌بندی حکومت که چهره‌ای موجه از خود به‌نمایش گذاشته است" را پیش کشیده‌اند. آنچه در واقع با آن مواجه هستیم، تردید و تزلزل است. نزد

بورژوازی امپریالیست، اقدامات تهاجمی راهی ممکن برای پیروزی است. اما آیا راه دیگری هم مقدور است؟

مورخ رِچ به این مسئله به شکل زیر پاسخ می‌گوید:

"به محض آنکه شوراها «تمام قدرت» را به دست بگیرند، به زودی درخواهند یافت که از قدرت بسیار ناچیزی برخوردارند؛ و آنگاه مجبور خواهند بود فقدان قدرت را با احیای روش‌های تاریخاً محک‌خورده‌ی ترک‌های جوان^۱ و ژاکوبن‌ها بزرگ نمایند... آیا وقتی بار دیگر این مسئله به شکلی اساسی مطرح گردد، آنها در برابر ژاکوبنیسم و تروریسم سر تعظیم فرود خواهند آورد و یا برعکس، خواهند کوشید تا از آن دست شویند؟ این مسئله‌ای فوری است که در ظرف چند روز پاسخ خود را خواهد یافت".

حق با جناب مورخ است. حال در ظرف چند روز یا نه، این مسئله به زودی پاسخ خود را خواهد یافت: یا اقدامات تهاجمی، بازگشت به سوی ضد انقلاب، موفقیت بورژوازی امپریالیست (برای چه مدت؟) و «دست شستن» چرنف‌ها و تسره‌تلی‌ها، و یا "ژاکوبنیسم".

مورخین بورژوایی ژاکوبنیسم را به یک سقوط ("برای سر تعظیم فرود آوردن") تعبیر می‌کنند. مورخین پرولتاریایی ژاکوبنیسم را یکی از رفیع‌ترین قلل مبارزات رهایی‌بخش طبقات تحت ستم می‌دانند. **ژاکوبن‌ها** بهترین سرمشق‌ها برای انقلاب دموکراتیک و مقاومت در برابر ائتلاف سلاطین و پادشاهان دشمن جمهوری را

به‌فرانسه تقدیم داشتند. ژاکوبنها قادر به پیروزی کامل نبودند، در درجه‌ی اول به این دلیل که فرانسه‌ی قرن هیجدهم در قاره‌ای پُر از کشورهای بسیار عقب‌مانده محصور شده بود، فاقد بنیان مادی برای سوسیالیسم بود و هیچ بانک، سندیکای سرمایه‌داری، صنایع ماشینی و خط آهنی در آن وجود نداشت.

"ژاکوبنیسم" در قرن بیستم، چه در اروپا و چه در مرز میان اروپا و آسیا، به‌منزله‌ی حاکمیت طبقه‌ی انقلابی، حاکمیت پرولتاریا می‌باشد که از حمایت دهقانان فقیر برخوردار است و از بنیان مادی موجود برای گام برداشتن در مسیر سوسیالیسم بهره می‌گیرد و نه فقط همه‌ی آن رویدادهای عظیم، شکست‌ناپذیر و فراموش‌ناشدنی که ژاکوبنها در قرن هیجدهم به‌بار آوردند را از نو خلق می‌کند، بلکه همچنین پیروزی جهان‌گستر و ماندگار مردم زحمت‌کش را موجب خواهد گردید.

طبیعی است که بورژوازی از ژاکوبنیسم نفرت دارد. طبیعی است که خرده‌بورژوازی از آن وحشت دارد. کارگرانِ دارای آگاهی طبقاتی و به‌طور کلی مردم زحمت‌کش به انتقال قدرت به طبقه‌ی ستم‌دیده‌ی انقلابی اعتماد دارند. این همان جوهر ژاکوبنیسم، تنها راه برون‌رفت از بحران کنونی و تنها مرحم برای گسیختگی اقتصادی و جنگ است.

یادداشت‌ها

۱. **ترک‌های جوان** – عنوان اروپایی اعضای **اتحاد و پیشرفت** است که یک حزب ملی‌گرای بورژوازی و مَلَک بود که در ۱۸۸۹ در استانبول تاسیس شد. آنان می‌کوشیدند تا قدرت مطلقه‌ی سلطان را محدود و امپراطوری فئودال را به سلطنت مشروطه‌ی بورژوازی تغییر دهند و بدین‌سان نقش بورژوازی ترک را در حیات اقتصادی و سیاسی کشور ارتقا بخشند. **ترک‌های جوان** در ژوئیه‌ی ۱۹۰۸ به موجب انقلابی که توسط بخش فوقانی بورژوازی و با حمایت نیروهای مسلح به‌انجام رسید، قدرت را به‌دست گرفتند. حکومتی که آنها تشکیل دادند سلطنت را حفظ کرد و سیاستی ارتجاعی را تعقیب نمود. بعد از شکست ترکیه در جنگ جهانی اول (پائیز ۱۹۱۸) **حزب ترک‌های جوان** خود را منحل اعلام کرد.

مرجع

Can “Jacobinism” Frighten the Working Class?

<https://www.marxists.org/archive/lenin/works/1917/jul/07a.htm>

سایت گروه مائوئیستی شورش:

<http://www.shouresh-iran.com/>